

عبرتهای عاشورا^۱ - بخش اول

برادران! السلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ! خداوند به همه ما در مصیبت سیدالشہدا اباعبداللہ الحسین (علیہ السلام) اجر عظیم عنایت فرماید!

بسم اللہ الرحمن الرحیم. الحمد للہ رب العالمین. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ... ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است. خدا را شکر که ما را به این نعمت هدایت کرد و اگر هدایت الہی نبود هرگز هدایت نمی شدیم... (اعراف/۴۳).

درود و سلام برسیدمان محمد (صلوات اللہ علیہ). او کہ خداوند برانگیخت تا رحمت بر جهانیان باشد و امت را از طغیان، شرک و جهالت رهایی بخشد و از تاریکی ها به نور ببرد. درود خدا بر او و بر خاندان پاک و مطہرش، آنان کہ روش پیامبر را دنبال کردند، راه پیامبر را پیمودند، پرچم او را بر دوش کشیدند و خیرخواہ امتش بودند.

• چرا عاشورا؟

در چنین روزی - روز عاشورا - روز دہم محرم، فاجعہ عظیمی اتفاق افتادہ است. مصیبت بزرگی در تاریخ این امت رخ دادہ است؛ امتی کہ دینش اسلام است و از طرف خدا و پیامبرش، «مسلمان» نامیدہ شدہ. حق این بود کہ چنین فاجعہ ای فقط در دوران تاریک جاهلیت واقع می شد، در دوران شرک و دوران تاریکی. طبیعی این بود کہ چنین فاجعہ ای در عصر اسلام پدید نمی آمد؛ در جهان اسلام و بہ دست کسانی کہ خود را بہ اسلام منتسب می کردند. چہ اتفاقی افتاد؟

چنین حادثہ ای را حتی در تاریخ جاهلیت ہم نشنیدہ ایم. چہ عاملی باعث شد جامعہ اسلامی زمینہ پیدایش چنین مصیبت و حوادث فاجعہ باری شود؟ چہ عاملی باعث شد کسانی کہ خود را مسلمان می نامیدند و بہ اسلام

^۱ سخنرانی شہید حسین الحوثی در عاشورای سال ۱۴۲۳ قمری در صعده، منتشر شدہ در شمارہ ۴۵ تاریخ زمستان ۸۸۳۱ نشریہ سورہ. این سخنرانی با اندکی تلخیص و تصرف ترجمہ و منتشر شدہ است. باز نشر در کتاب اویس خمینی.

منسوب بودند، چنین فاجعه ای را به وجود بیاورند و این گونه وحشتناک و فاجعه بار عمل کنند؟ آن هم بر ضد چه کسی؟ آیا این حوادث بر ضد شخصی اتفاق افتاد که در تمام دوران عمرش، بت پرست بوده و مانع تحقق دین در جامعه می شد؟ آیا بر ضد شخصی اتفاق افتاد که زندگی خود را در نفاق، مکر، خدعه و ستم گذرانده بود؟! حق این بود که امت اسلامی، در برابر اشخاص کافر، مشرک، طغیانگر، جبار، ظالم و منافق این چنین موضع گیری می کرد. ولی دیدیم این حادثه در جامعه اسلامی، به دست فرزندان اسلام، تحت پوشش و عناوین اسلامی و به وسیله خلافتی که خود را اسلامی نامیده بود، اتفاق افتاد. دیدیم که قربانی این واقعه چه کسی بود: یکی از دو سید جوانان اهل بهشت؛ «حسن و حسین، سید جوانان اهل بهشت اند». او فرزند سید انبیاست، فرزند قرآن، فرزند سید اوصیا و فرزند سید عرب امام علی بن ابی طالب علیه السلام است. او فرزند سید زنان عالم فاطمه زهراست. او فرزند حمزه سیدالشهداست. چه چیزی باعث شد اوضاع به اینجا برسد و چنین شخصیت با عظمتی قربانی شود؟

• شرط فهمیدن درسها و عبرتهای عاشورا

برادران، عاشورا حادثه ای سرشار از درس ها و عبرت هاست. امروز چقدر نیازمندیم دوباره به تاریخ مان برگردیم، به سوی رسول خدا (ص) برگردیم و از سیره و جنبش آرمانی ایشان از ابتدای بعثت تا عروج روح شریف شان به لقاء الله آگاه شویم. نیازمند بازگشت به امام علی (ع) و قرائت سیره و حرکت ایشان در طول زندگی شان هستیم. نیازمند بازگشت به امام حسن و حضرت فاطمه زهرا و امام حسین (علیهم السلام) هستیم. باید به سوی امام حسینی که امروز جمع شده ایم و به همدیگر مصیبت ایشان را تسلیت میگوییم، برگردیم تا دقیقا در چنین روزی از درس ها و عبرت های این حادثه الهام بگیریم، حادثه ای که قربانی اش حضرت امام حسین (ع) و خاندانش بودند.

• عاشورا حادثه ای تصادفی نبود

آیا حادثه و فاجعه کربلا زاییده همان روز عاشورا بود؟ آیا صرفاً حادثه ای تصادفی بود؟ پیشامدی ناگهانی بود؟ یا پیامد طبیعی انحرافی بود که در مسیر این امت پدید آمد؟ انحراف در فرهنگ این امت، انحراف امت اسلامی از نخستین روزی که رسول خدا (ص) امت را ترک کرد و به لقاءالله پیوست، انحراف در این که دین اسلام را مقدم نکردند.

اگر فهمیدیم حادثه کربلا پیامد این انحراف است، درک خواهیم کرد که این حادثه، منبع درس ها و عبرت های بسیاری برای ماست. برای ما که دوران زندگی مان مملو از صدها انسان مانند یزید و بلکه بدتر از یزید است! کربلا معیار تاریخ است و معیار انسان. سخن گفتن از کربلا یعنی سخن از حق و باطل، سخن از نور و ظلمت، از خیر و شر، از بالاترین الگوهای تعالی و بدترین نوع انحطاط گفتن است. سخن از هر چه که خیر به حساب می آید و سخن از هر چه شر محسوب می شود. به همین دلیل هم برخی گفته اند که حادثه کربلا و قیام امام حسین (ع) حادثه ای است که می توانید با تمامی حوادث جهان مرتبطش کنید. می توانید در برابر تمامی متغیرها و حوادث جهان از این واقعه الهام بگیرید و از عبرت ها و درس هایش استفاده کنید. کربلا مکتبی سرشار از عبرت هاست، مکتبی سرشار از درسها؛ البته برای کسانی که عبرت پذیرند، برای کسانی که درک می کنند و می فهمند.

• رفتار امیرمؤمنان (ع) با معاویه

وقتی خلافت به امام علی (ع) رسید، گردنه سختی در مقابل خود دید: مستقر بودن معاویه در شام! اولین تصمیم حکومتی امام علی (ع) عزل این شخص بود. معاویه کسی بود که حتی یک دقیقه هم نباید در سایه حکومت امام باقی بماند. شخصی چون معاویه در منطقه ای مانند شام به نام علی بن ابی طالب علی (ع) و به نام اسلام حکومت کند؟!

بعضی ها امام علی (ع) را نصیحت کردند که الان وقت چنین تصمیمی نیست، و گفتند معاویه در شام قدرتمند شده است، صبر کن تا خلافت تثبیت شود، بعد او را عزل کنید. به نظر می رسد این دیدگاه کسانی بود که در سیاست، سطحی نگر بودند. کسانی که فهم شان به درجه مطلوب نرسیده بود و آثار ناگوار و عواقب وخیم حاکمیت

شخصی چون معاویه را بر منطقه ای کوچک یا بزرگ، و آثار مسلط کردن او بر سرنوشت مسلمانان را نمی دانستند. در نگاه اول، این تفکر صحیح به نظر می رسد: معاویه را رها کن تا قدرت تثبیت شود، بعد می توانی تغییرش دهی.

اما امام فرمود امکان ندارد، و به این سخن الهی استدلال کردند: «وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصَدًا: من گمراهان را به عنوان بازوی خود انتخاب نمیکنم» (کهف، آیه ۵۱). یعنی چنین افرادی را یاری کننده و کمک کار خود نمیگیرم؛ چون وقتی کسی را که والی منطقه ای قراردادی با ولایت او را امضا کردی، در حقیقت به عنوان دست و بازوی خود انتخابش کرده ای، وظایفی را برایش مشخص کرده ای که در حقیقت، مسئولیت تو را در آن منطقه اجرا می کند.

شعار حضار: الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهود، اسلام پیروز است.

• نقش معاویه در گمراه کردن جامعه دینی

امام علی (ع) به هیچ وجه ولایت معاویه بر شام را تایید نکرد. وقتی امام به این سخن خداوند استدلال می کند که «من گمراهان را به عنوان بازوی خود انتخاب نمیکنم»، یعنی معاویه شخصی گمراه بود که امت را هم گمراه می کرد. گمراهی امت به چه معناست؟ گمراهی بعد از هدایت الهی، گمراهی بعد از آمدن نور قرآن، گمراهی بعد از بعثت الهی حضرت محمد (ص). گمراهی امت به معنای برگرداندن امت اسلامی از دین خدا، برگرداندن امت از اسلام و از هدایت الهی است.

معاویه شخصی گمراه کننده بود و مدتی طولانی را دور از پایتخت حکومت اسلامی به سر برد. او امت کاملی را گمراه کرد و در سایه خلافت اسلامی برای خود حکومتی دیگر ساخته بود. در جنگ با امام علی (ع) در صفین توانست ارتشی با ساز و برگ و سربازان فراوان سازمان دهی کند؛ ارتشی بیشتر از ارتش خلیفه! با سربازان و ساز و برگ نظامی بیشتر از ارتش خلیفه. ارتشی را که معاویه به نبرد صفین آورده بود در حقیقت گروه هایی از امتی

بودند که به دست معاویه گمراه شده بودند و همین امت در صف باطل در مقابل حق ایستاد، در مقابل نور، در مقابل عدالت، در مقابل خیر ایستاد. امت با فرزند زن جگرخوار همراهی کرد، با فرزند ابوسفیان بر ضد وصی رسول خدا (ص) همراهی کرد؛ برضد امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) که رسول خدا (ص) درباره او فرموده بود: «أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى؛ جایگاه تو نسبت به من مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است.»

این عین گمراهی است، و چه گمراهی خطرناکی! چه پیامدها و عواقب بدی براین گمراهی مترتب شد! چقدر زیان گمراهان در نزد خدا فضاحت بار و سنگین است. چقدر زیان شان در این دنیا و روز دیدار با خداوند سبحان، فضاحت بار است؛ چون اینها بندگان خدا را گمراه کرده اند.

• ریشه اصولگرایی امام علی(ع) در رفتار با معاویه

امام علی (ع) میداند خطرناک ترین مساله برای امت اسلامی و حتی برای بشریت، گمراهی و انسان های گمراه کننده است. به همین دلیل وظیفه حاکمیت در اسلام را می شناسد. حضرت علی (ع) وظیفه دولت اسلامی و وظیفه خلافت اسلامی را می داند. می داند که به هیچ وجه امکان ندارد در سایه دولت او، حاکمیت شخصی گمراه تأیید شود، هرچند نتیجه این مسأله، محدودشدن خلافت و شهادت امام باشد. حضرت علی (ع) می فرمود: «خلافت شما برای من به اندازه کفش کهنه ارزش ندارد، جز این که حقی را برپا کنم و باطلی را از بین ببرم.» چرا؟

شاید وقتی ما چنین سخنی را از امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) بشنویم، تعجب کنیم. آیا شما مُصر هستید که معاویه را از جایگاهش برکنار کنید، حتی اگر به قیمت ضربه خوردن به خلافتتان باشد؟ یا منصب تان را از شما بگیرند و شما را شهید کنند؟ امام علی (ع) همه این مسائل را ساده میدید، به همین دلیل یک دقیقه هم حکومت معاویه بر سرنوشت امت اسلامی را نپذیرفت. چون علی (ع) حریص بر قدرت نبود. جزو کسانی نبود که دین را برای رسیدن به قدرت هزینه می کنند. امت اسلامی را هزینه نمی کرد، کسی نبود که آینده، عزت و کرامت امت اسلامی را هزینه کند.

امام علی (ع) می دانست فقط کسی که شیفته قدرت باشد، می تواند حاکمیت معاویه بر شام را بپذیرد. حضرت می توانست دین امت اسلامی را بفروشد، اسلام را بفروشد، می توانست در مقابل گرفتن حاکمیت، حق امت را حراج کند و منصب و تخت قدرتش را محافظت کند؛ اما او چنین حاکمی نبود.

• درس امیر مؤمنان برای حاکمان معاصر

آیا امت اسلامی از آن روز تاکنون از چیزی جز از این نوع حاکمان رنج برده است؟! حاکمانی را که امروز در طول و عرض سرزمین های اسلامی در برابر خودمان می بینیم، به گونه ای هستند که از امام علی (ع) درس نمی گیرند. حضرت علی (ع) الگوی کسانی است که به حاکمیت رسیده اند، الگوی پدران در تربیت فرزندان است، الگوی سیاست مداران در حکومت است، الگوی مبلغان در تبلیغ است، الگوی معلمان در آموزش است، الگوی مجاهدان در میدان نبرد است، الگو و الهام بخش برای تمامی خبرها، بزرگی ها و عزت ها برای انسان است. اینها (حاکمان فعلی) کسانی هستند که روحیه روز نخست خلافت حضرت علی (ع) را ندارند. همه دیدند که امام (ع) برای خلافت به اندازه کفش کهنه ای هم ارزش قائل نبود، مگر این که حق را برپا کند یا باطلی را بمیراند. حکومت اساسا چه ارزشی دارد؟! حکومتی که به نام اسلام قدرت را به دست گرفته و رهبرش سرنوشت مسلمانان را در دست دارد و بر تخت حکومت کشور اسلامی تکیه زده، ولی برای احیای حق و از بین بردن باطل تصمیمی نمی گیرد، چه ارزشی دارد؟! ارزشی ندارد. نه تنها بی ارزش است، بلکه ارزش آن به شکل دیگری دگرگون می شود. مسائل آن قدر تغییر میکند که دین تبدیل به قیمت و بهای این حکومت می شود. امت اسلامی تبدیل به بهای این حکومت می شود.

برادران، وقتی می شنویم تمامی رهبران کشورهای عربی، شتابان با آمریکا، یعنی کشوری که رهبری پیمان به اصطلاح مبارزه با تروریسم را به عهده دارد، توافق می کنند، وقتی همگی همراهی خود را با آمریکا در آنچه جنگ با تروریسم نامیده است، اعلام می کنند، به این دلیل است که عاشق قدرت هستند، چون برای باقی ماندن در قدرت حریص هستند؛ حال، هزینه هر چه می خواهد باشد، ولی نمی توانند به این مساله تصریح کنند. می گویند

برای حفظ امنیت و آرامش کشور، برای حفظ منافع ملی کشور یا از ترس چماق آمریکا، این پیمان را پذیرفته ایم. واژه جدیدی که از بعضی ها شنیده ایم: از ترس چماق آمریکا! آیا ضربه چماق آمریکا از خشم خدا سنگین تر است؟! از جهنم در آخرت و خواری در دنیا سخت تر است؟! چه چیزی از این عذاب الهی دشوارتر است؟!

امام علی (ع) می خواست به تمامی سیاست مدارانی که می خواهند به حاکمیت برسند، این درس را بیاموزد که به هیچ وجه جایز نیست عاشق قدرت باشند. وقتی عاشق منصب و قدرت شدی، همه چیز را در راه قدرت فدا میکنی.

اگر می خواهی به قدرت برسی، نباید از هیچ چیز بترسی. اگر از غیر خدا ترسی به دل راه دادی، هرچه در مقابل چشمت ببینی، کوچک یا بزرگ، چماقی علیه تو خواهد بود. در مقابل خود معاویه را خواهی دید. در حقیقت، معاویه در ایام آغازین خلافت امام، بلکه حتی قبل از حکومت امام، حکومتی قوی تر از خود خلیفه داشت. او حکومتش تثبیت شده بود و ارتش گسترده ای داشت. فرمانبران او از امتی که برای بیعت با امام علی (ع) آمدند، قوی تر (و بیشتر) بودند.... با این حال، فرقان حقیقی، شخصی که حق را از باطل جدا کرد، به خود اجازه نداد حتی یک دقیقه معاویه بر شام حکمرانی کند. رسول خدا (ص) درباره چه کسی فرمود: «إِنَّهُ مَعَ الْقُرْآنِ»؟! آیا این جمله را درباره شخص دیگری بیان کرده یا درباره امام علی (ع)؟ «علی مع القرآن والقرآن مع علی».

وقتی می بینیم که امام علی (ع) به خود اجازه نمی دهد معاویه را حتی برای یک لحظه به عنوان حاکم شام نگه دارد، در حقیقت به نام قرآن حرکت کرده است. این منطق قرآن است، موضع قرآن است. بنابراین، مواضع دیگر که باعث شد معاویه سالیان سال بدون کمترین محاسبه از عملکردش باقی بماند و درباره معاویه گفته شود که کسرای عرب است، چنین مواضعی به هیچ وجه متناسب با قرآن نبوده است. چنین موضعی در تضاد با قرآن است. این موضع به قرآن، امت قرآن و شخصیت های همراه قرآن ضربه وارد کرده است.

• کربلا زاییده روز عاشورا نیست

فاجعه کربلا را زاییده روز عاشورا نبینید. چه کسی لشکریان را برای مواجهه با امام حسین (ع) در کربلا سازماندهی کرد؟ چه کسی ابن زیاد را برای رشوه دادن و خریدن رهبران قبایل به کوفه فرستاد؟ یا وعده و وعید میداد تا همه را سازمان دهی نظامی کند. چه کسی مردم را بعد از این که با امام حسین (ع) بیعت کرده بودند، به لشکری برای مبارزه با امام تبدیل کرد؟ این شخص چه کسی بود؟ یزید.

چه کسی یزید را خلیفه کرد و بر سرنوشت مسلمانان حاکم گردانید؟ معاویه. چه کسی باعث شد این امت - امت اسلامی - شخصی مانند یزید را بپذیرد؟ چه کسی برای یزید پشتوانه و پایگاه قدرتمند ساخت؟ معاویه.

ما فاجعه کربلا را فقط مولود روز عاشورا نمی دانیم تا فقط درباره ابن زیاد یا یزید سخن بگوییم. اگر به سرچشمه مسائل نگاه نکنیم، اگر آغاز انحراف و علت های نخستین را نبینیم، نمی توانیم تحلیل صحیحی از کربلا ارائه کنیم. نیازمند نگاهی هستیم که به ما بینشی نسبت به تمامی این حوادث تأسف بار بدهد. باید تمامی وقایعی که امت اسلامی با آن زندگی کرده را پیامد آن انحراف بدانیم. اگر کربلا را این گونه تحلیل نکنیم ما هم در سایه همان علت ها زندگی خواهیم کرد، ما هم بخشی از علت شهادت امام حسین و پیش از آن شهادت امام علی و امام حسن (علیهم السلام) خواهیم بود.

خطرناک بودن عملکرد معاویه را با توجه به موضع امام علی (ع) درک می کنیم. آن حضرت حتی یک لحظه هم به معاویه اجازه باقی ماندن بر حاکمیت را نداد. گویی امام علی (ع) به امت اسلامی هشدار می داد که اگر این شخص حتی برای یک لحظه بر منطقه ای ولایت داشته باشد، چهره تاریخ سیاه خواهد شد و پرچم های دین به زمین خواهد افتاد که دقیقاً چنین حادثه ای اتفاق افتاد.

• اصلی ثابت در تفکر سیاسی اهل بیت (علیهم السلام)

چنان که پیش تر گفتیم، این موضع گیری، درس مهمی را به ما می آموزد؛ و آن اینکه باید با نگاه اهل بیت به قدرت و حکومت آشنا بشویم. شخصیت های منحرف و گمراه کننده معمولاً تحلیل های نادرستی درباره اهل بیت

(علیه السلام) ارائه می دهند. می گویند جنبش و حرکت ایشان برای رسیدن به حکومت بوده است. می گویند برای رسیدن به قدرت قیام کرده اند.

کسی که در تاریخ اهل بیت (علیه السلام) تأمل کند، در می یابد که این مسأله موقت و زودگذر نبوده، بلکه یکی از اصول فرهنگ اهل بیت (علیه السلام) این بوده که ارزش قدرت باید در نزد تو به اندازه کفش کهنه ات باشد. چرا؟ آیا برای اینکه خودت را زاهد نشان بدهی؟! (چرا که این مسأله یکی از نمادهای زهد است. ساده زندگی کنی ولی برایت اهمیت نداشته باشد چه کسی بر امت اسلامی حکومت می کند؟ برای اینها بود؟ نه!

امام علی (ع) روزی که این عبارت را بیان کرد منظورش این نبود که حاکمیت امت اسلامی برای علی مهم نیست، هر که خواست برامت حکمرانی کند یا من نمی خواهم برامت حکومت کنم، من زاهد و پارسا هستم و رغبتی به حکومت ندارم هر چند بتوانم حقی را احیا کنم و باطلی را از بین ببرم. نه! این منطق علی (ع) نبود. امام می گوید به هیچ وجه جایز نیست کسی که شیفته قدرت و منصب است بر مسلمانان حکمرانی کند.

• امام خمینی شاگرد مکتب امیرمؤمنان (علیه السلام)

تنها کسی که این مطلب را درک کرد امام خمینی بود. او به فرزند خود توصیه کرد و گفت: «نباید به دنبال منصب باشی، جایز نیست برای به دست آوردن مقام و منصب تلاش کنی، حتی اگر این منصب دینی باشد.» می خواهی به جایی برسی که آیت الله العظمی بشوی؟ می خواهی به لقب حجت الاسلام والمسلمین یا عنوان دیگری از این قبیل برسی؟ عشق رسیدن به مقام ممکن است باعث قربانی کردن دین و امت اسلامی، بلکه سبب قربانی کردن همه چیز شود.

اشعار حضار: الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهود، اسلام پیروز است.

امام علی (ع)، شاهد زنده ای به ما داد که گواهی میدهد با کنار گذاشتن معاویه، حضرت حقیقتاً عاشق قدرت نبود. از تمامی این رهبران و از تمامی خلفا سؤال میکنم آیا اینها ابقای معاویه بلکه انسان های بدتر از معاویه را به

مصلحت خود نمی دانند؟ هیچ اشکالی در این مسأله نمی بینند، بلکه این کار را عین حکمت و سیاست مداری میدانند. حاضرند به معاویه و بدتر از معاویه تا ابد هم ولایت و قدرت بدهند تنها به این خاطر که منصب و تخت حکومت شان حفظ شود؟ امام علی (ع) الگوی زنده ای را برای ما به ارث گذاشت. برادران، ما نیازمند شناخت تاریخ ائمه اهل بیت (علیهم السلام) هستیم تا بتوانیم افرادی که اهل بیت را به قدرت طلبی متهم می کنند، رسوا کنیم. اهل بیت (علیهم السلام) به دنبال این بودند که احکام خداوند در زمین اقامه شود، شریعت الهی بر بندگان حاکم باشد و هدایت الهی همه زمین و عرصه زندگی بندگان خدا را فرا بگیرد. این مسأله اعتقادی اسلامی است که «دولت اسلام و حکومت اسلام، بخشی جدانشدنی از دین است.»

در عین حال، اهل بیت (علیهم السلام) معتقد بودند به هیچ وجه جایز نیست حتی امام علی، امام حسن، امام حسین، امام زید، امام هادی یا هر شخص دیگر از این سنخ، شیفته قدرت و مقام باشند.

آیا امروز ما و امت اسلامی با این مسأله روبرو نیستیم؟ امروز امت اسلامی به دست رهبران خود قربانی می شود. آیا چنین اتفاقی نیافتده است؟ تنها توجیهی که می شنوید این است که برای حفظ مصلحت و عناوین دیگری از این دست!

راز حقیقی این است که اینها عاشق قدرت هستند. باید این مسأله را درک کنیم تا روش های عاشقان قدرت را تشخیص دهیم و عواقب وخیم رفتارشان را درک کنیم، حتی اگر رفتارشان را به نام اسلام انجام بدهند. حتی اگر با عناوین اسلامی حکومت کنند و لقب خلیفه یا امیرالمؤمنین یا عناوین دیگر را با خود حمل کنند.

آیا امام علی (ع) شکست خورد؟ آیا امام حسن (ع) شکست خورد؟ آیا امام حسین (ع) شکست خورد؟ آیا امام زید (ع) و امام هادی (ع) شکست خوردند؟ یا قبل از آنان آیا حضرت محمد (ص) شکست خورده بود؟ نه. امیرمؤمنان نباید شکست بخورد. اگر شکست بخورد، عاشق قدرت است. کسانی که شیفته قدرت و زندگی و مقام هستند، تنها می خواهند چند روز پیایی لقب امیرمؤمنان و القابی دیگر را به دست بیاورند.

برادران، به تاریخ اهل بیت اول برگردید و واقعاً و حقیقتاً آن را مطالعه کنید تا درک کنید در زندگی ایشان جایی برای این سخن باقی نمی ماند. واقعاً نمی توان گفت اینها برای رسیدن به قدرت انقلاب کردند و عاشق قدرت بودند. اهل بیت (علیهم السلام) عاشق حقیقت بودند. اینها کسانی هستند که جدشان به آنان فرمود - در توصیه به امام حسن (ع) - «و خض الغمرات للحق حیث کان... در دریای مشکلات هر جا که باشد برای رسیدن به حق فرو شو..» این روش اهل بیت (علیهم السلام) بوده است.

معاویه روش گمراه کننده ای در طول دوران حاکمیتش انتخاب کرده بود. بعد از شهادت امام علی (علیه السلام) لقب خلیفه حاکم بر سرزمین های اسلامی را به خود داد. بعد از شهادت امام حسن (علیه السلام) دیدیم چگونه آن جامعه را به جامعه ای تبدیل کرد که باطل را یاری می کردند و در صف باطل می ایستادند.

همچنین ای برادران، دیدیم طرف دیگر چگونه بود. بسیار گفته ایم که جنایت ها معمولاً نتیجه عملکرد یک طرف نیست. جنایتکاران از یک طرف و انسان های گمراه کننده از طرف دیگر جنایت میکنند. شخصیت های افراطی از یک طرف، و افرادی که در انجام وظیفه کوتاهی می کنند از طرف دیگر و انسان های لایبالی هم از سوی دیگر مرتکب جنایت می شوند. از نخستین روزی که مسیر امت اسلامی از هدایت قرآن و رسول خدا را منحرف شد، جنایت مشترکاً از سوی همه این افراد تکرار می شود. چگونه ممکن است مردم منطق حق را بشنوند سپس روزی بیاید و آنها را ببینیم که در مقابل حق و در صف باطل ایستاده اند؟! این همان حادثه ای است که برای مردم عراق اتفاق افتاد.

• ریشه جدا شدن مردم عراق از امام علی و امام حسین (علیهما السلام)

معاویه اهل شام را گمراه کرد. آنها هم پایگاه حکومت و خلافت او و فرزندش یزید شدند. از طرف دیگر چه اتفاقی برای مردم عراق افتاد. آیا امام علی (ع) سال های خلافتش را در میان آنها نگذرانده بود؟ به جز ابتدای حکومت، ایشان در بقیه ایام حاکمیت در عراق بوده است. امام علی (ع) دروازه شهر علم بود و همیشه با بلاغت، منطق، استدلال های محکم، معرفت و دانش گسترده خود با مردم عراق سخن می گفت. همیشه مردم را خط دهی می

کرد، سخن میگفت، ارشاد می کرد، آموزش میداد و نسبت به عواقب امور هشدار و انداز میداد. چرا مردم عراق قبل از اهل شام، برای مواجهه با امام حسین (ع) به سپاه یزید پیوستند؟

ریشه این مسأله در تفریط است. نه فقط تفریط و کوتاهی نسبت به حادثه، بلکه تفریط در روزی که راهنمایی ها را می شنوی، ولی اهمیت کافی برای آن قائل نمی شوی. وقتی حادثه مشخصی اتفاق می افتد، اگر وظیفه ات را انجام ندهی و سر جایت بنشینی، این کوتاهی نتیجه تفریطی است که در زمان شنیدن راهنمایی های حضرت علی (ع) داشته ای؛ روزی که هشدار امام علی (ع) را شنیدی، روزی که می شنیدی گوهرهای حکمت از دهان امام (ع) فرو می ریزد، ولی مانند گوسفند به این سخنان می نگرستی و بی توجه بودی. بله! تفریط! خاستگاه این تفریط روزی است که مردم سخن را می شنیدند، راهنمایی ها را می شنیدند، منطق حق را می شنیدند، ولی توجه نمی کردند، لابلای گری می کردند و برای هر مسأله اهمیت لازم را قائل نمی شدند.

چرا بعد از اینکه مردم سخن رسول خدا (ص) را در روز غدیر شنیدند - قبل از غدیر و بعد از غدیر هم شنیده بودند. چرا بعد از این همه توصیه، شخص دیگری بر صندلی خلافت تکیه زد؟! مردم سخنان بسیار شنیده بودند. اما میگفتند حالا شخص دیگری خلیفه باشد، اشکالی ندارد، مهم این است که یک نفر حکومت کند. تفریط از اینجا شروع شد. اگر مردم عراق روزی که سخنان امام علی (ع) را شنیده بودند، کوتاهی نمی کردند این حوادث پیش نمی آمد. بعد از قرآن و بعد از رسول خدا (ص) را چه کسی رساتر از امام علی (ع) سخن میگوید؟! چه کسی منطق بلیغ تر و تأثیرگذاری بیشتری از امام علی (ع) داشته است؟! بعد از قرآن و بعد از کلام رسول خدا (ص) چه کلامی مانند کلام علی (ع) وجود دارد؟ البته اگر امکان تأثیر بر آنها وجود داشته باشد. همین تفریط بود که باعث شد مردم عراق قبل از مردم شام به کربلا برسند و امام حسین (ع) و خانواده اش را محاصره کنند. همین کوتاهی باعث شد کوفیان قبل از مردم شام تیر به سینه امام پرتاب کنند. اینها همان کسانی بودند که امام علی (ع) و خانواده اش سال ها در میانشان زندگی کرده و موعظه و ارشادشان را شنیده بودند.

• پیامدهای کوتاهی در برابر حق

چه عاملی آنها را به این درجه رساند؟ اینها کوتاهی کردند. وقتی انسان درباره مسائلی که می شنود، کوتاهی کند، جایگزین های غلط مطرح می شود یا تحلیل افرادی را مانند خود و کسانی که مسائل را اشتباه فهمیده اند و عاقبت کارها را نمی دانند، می پذیرد، یا به اندیشه خود اکتفا می کند. خودش مسائل را تحلیل می کند، تلاش می کند برای هر مسأله مرز مشخصی پیدا کند و گمان می کند از آن عبور کرده است. شاید تصور می کردند بحران، شخص حسین است و بعد از آن که حسین کشته شد، فضا طبیعی باقی خواهد ماند. آیا بعد از کشته شدن امام حسین (ع) فضا طبیعی شد؟ آیا استقرار و امنیت در عراق حاکم شد؟ یا این که عراق شروع به جوشش کرد؟ و پشت سرهم و نسل به نسل تا دوران کنونی ما، بر سر مردم عراق نکبت ها و مصیبت ها فرود آمد و دین و دنیا و جانشان روی سلامت به خود ندید؟! چقدر بد است انسان سخن حق را بشنود، ولی روزی بیاید که خود را در مقابل حق ببیند و در مقابل حق شمشیر بکشد. بدتر این که از روز نخست بر اساس گمراهی رشد کند، این بدتر از حالت قبل است. به همین دلیل هم نمونه روشنی را برای این حقیقت می یابید: آیا تاریخ عراق بدتر از تاریخ سوریه نیست؟! آیا در کشورهای عربی ملتی گرفتارتر از ملت عراق دیده اید که به نکبت ها و مصیبت ها دچار باشد؟ چون ملت عراق سخن امام علی (ع) را بیشتر از هر ملت دیگر شنیده بود. امام علی (ع) چند روز محدود به یمن آمد. در مدینه با وجود سه خلیفه، سخنی نگفت. نمی خواستند علی سخن بگوید، ولی معارف و راهنمایی ها و حکمت های او در کوفه، آویزه گوش اهل عراق شده بود. با این حال کوتاهی کردند و عاقبت شان بدتر از عاقبت مردم شام شد.

شعار حضار: الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهود، اسلام پیروز است.

چه بسا روزی از روزها این نوع انسان ها، از خواب بیدار شوند، ولی وقتی هشیار می شوند که فایده ای ندارد.

• پشیمانی دیر هنگام مردم کوفه

مردم عراق بعد از کشته شدن امام حسین (ع) پشیمان شدند. بعد از کوتاهی در حق امام، بسیاری از آنان توبه کردند؛ چون امام را یاری نکرده بودند. انقلاب کردند و از قاتلان امام انتقام گرفتند ولی فرصت را از دست داده

بودند. انتقام گرفتند بعد از آنکه شخصیت بزرگی مانند امام حسین (ع) را از دست دادند. اگر این ایثار، ایستادگی، فداکاری، توجه و بیداری، به موقع و در وقت مناسب انجام می شد، یعنی هنگامی که امام حسین (ع) به سمت کوفه حرکت کرده بود، نه تنها وضعیت عراق، بلکه می توانستند چهره تاریخ را کاملاً دگرگون کنند، می توانستند امت اسلامی را به حالتی که رسول خدا (ص) می خواست برگردانند.

هزاران نفر را کشتند و هزاران نفر هم از آنان کشته شد، ولی بعد از اینکه زمان را از دست داده بودند؛ بعد از اینکه شخصیتی مانند امام حسین (ع) را از دست دادند. بزرگترین بحران امت اسلامی و بزرگ ترین مصیبت وارد شده به امت اسلامی این بود که این امت بزرگان و پرچم های هدایتی چون امام حسین، امام علی و زید(ابن علی) و امام حسن (علیهم السلام) را از دست داد. و این خسارت بزرگی بود.

ادامه در بخش دوم